

جایزه

گاهنامه بسیج دانشجویی شهید اژدری
دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه

شماره چهارم - اردیبهشت ماه ۹۹



دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه



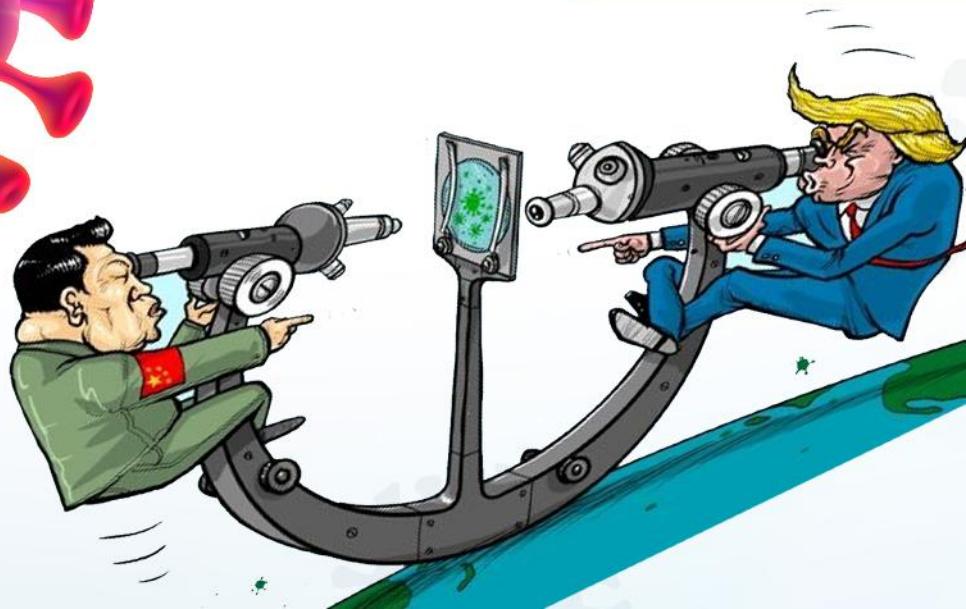
بسیج دانشجویی
شهید اژدری
دانشگاه علوم پزشکی
تربت حیدریه

کورونا؛ فاجعه‌ی طبیعی یا توطئه سیاسی؟؟

افطاری‌های مخصوص هر شهر

خليج تا ابد فارس

معلم يعني عشق



فهرست

- ۱ سخن سردبیر
- ۲ معلم، یعنی عشق!
- ۳ افطاری های مخصوص هر شهر
- ۴ خلیج تا ابد فارس
- ۵ خیام نابغه نیشابوری
- ۶ جوان و دغدغه هایش
- ۷ مطلب طنز
- ۸ شب یلدای روح
- ۹ کرونا؛ فاجعه‌ی طبیعی یا توطئه سیاسی
- ۱۰ به مناسبت بزرگداشت روز سپاه
- ۱۱ عاشق ترین صیاد
- ۱۲ سخنان مقام معظم رهبری
- ۱۳ امامت در حصار ابهام ۲
- ۱۴ پوستر روز قدس

شناسنامه

هیئت تحریریه

فائزه عزیز آبادی
مجتبی رمضان نژاد
زهرا فرزانه
علی بازیان
عادله رضایی
ساجده موسی زاده
محمد سجاد روح الله
نسترن عربزاده
سعید اینزدی
زهرا غلامزاده
امیر بصیری
علیرضا عباسی
حیدر صاعدی

صاحب امتیاز
پایگاه بسیج دانشجویی شهید
ازدری دانشگاه علوم پزشکی
تریت حیدریه
مدیر مسئول: حسین بختیاری
شیرین پابایی
سردبیر: مریم معین
ویراستار: سعید فاضلی سنتگانی
صفحه آرا: سعید فاضلی سنتگانی

سخن سردبیر

۱۰) لذت و بهار بیست ماه رسیدم. از بیست ماه مراجعته گاه ابرهای غم برداشتم (لش رام پوشاند و چون طفل نیو شروع به لرستان می کند و بخطه ای بعد آنقدر شدی بخش و رختان نور امید در لش من تاباند و عالم را غرق در او شناسی من سازد. از بیست که طها زیبای بخاری زینت بخش داشت و به راستی که از بیست عوسم بخار است! اما حباب از بیست اصل از دل سالها جداست. غول محیب کوئن هنوز هم در میان ما زندگی میگذرد و راه راه اندازد و افراد را مبتلا میکند. پس چه بحتر که براى حفظ سلامت خود و غیرزنانهان و بعنوان تسلیم از زحمات بی دلیل در درمان و حمایت از آنها، اصل به استفاده عطر طها و شنیدن نفعه دل اینلیز پرندگان از قاب پنجه ها آتفا نیم و در خانه هایمان بمانیم.

به امید ریشه کن شدن این ویروس منحوس و سلامتی تمام صفوتهان را اقصی نقطه کشی.

با احترام
شیرین باباز

معلم یعنی عشق



اگر دستم را به دستان تو نپارم، در جاده سفر خیل، به کدام رستا ویز متول شوم؟ با تو، هوای سرمهین دانش هرگز ابری نیست. آفتاب بسی دریغ، معلم! عشق، معلم است و معلم، عشق. خوش آن که عاشق شود! بهترین معلم، همان است که در کلاس گاهش میان زهنه و دل دانش آموز، طوفان من کند. پایت راهیشه جای پای معلم بگذار؛ اوراه را اشتباه نمی رو. کن که برای معلم خود بهترین شالدر باشد، روزی برای شالدر خود بهترین معلم خواهد بود. معلم بسی هصر، جهاد خود را بآباد من کند. آموره خار خوب، خس گاهش را بین شالدران خود به میاوات تقیم من کند. همه جا من تواند کلاس درس باشد و همه آدمیان برای یلدیز، معلم. آموره که سینه اش لیریز از دانش و حقیقت است، پیراهن بوسیدنی است. آموره خار حقیقی، غم هایش را پشت درجا من گذارو ببعض دوار کلاس درس من شود. آموره خار! اگر تو نبودی، کابوس شب هایم به زنگ سوالات بسی جواب بود. زنگ مدرس، اذان شناختن به آستان مقدس معلم است. هر گیاه دانش که سراز خاک برسن آورد، ابتدا به تو سلام من کند. هر انسان که به زین من آید، برای برداشت معلمان زمین افزوده من شود. آن چه معلم روی تنه سیاه من نوید، کمترین چیزی است که از او من آموزیم. نهایت آموختن معلم، رفتار اوست. معلم خوب، ابتدا خوب زنگی کردن را به شالدر من آموزد و پس از آن، خوب درس خواندن را. عاقبت، روزی تنه سیاه هزاران من گشته بند و ختنی قدرن های معلم را شهادت من دهنده معلم، همه های دانش را ب دستان خویش، در سفره زهنه دانش آموزان من گذارد.

افطاری های مخصوص شهر



کشور ایران به دلیل داشتن تنوع قومی دارای سنت های غذایی محلی خاص در ماه رمضان است، نگاهی به آداب و رسوم اقوام مختلف ایران نشان می دهد که سنت های غذایی در ماه رمضان در گوشه و کنار ایران به صورت مجرما تصویر زیبایی می آفیند. این سنت های غذایی در اکثر شهر های ایران وجود دارد، در این نوشته به برخی از غذاهای رنگارنگ محلی در برخی نقاط کشور اشاره می کنیم:

مشهد: در مشهد شله از غذاهایی است که در ماه رمضان به وفور سرو می شود، آشی هست بسیار مقوی، شامل راسته گوساله و انواع و اقسام حبوبات از لوبیا چیتی گرفته تا نخود و ماش و بلغور و گندم و برنج و به همه می اینها ادویه فراوان هم می زند.

مازندران: از غذاهای محلی ماه رمضان در مازندران می توان به قماق، ترش او و شیر آش اشاره کرد، هر سه این غذاها با برنج یا آرد درست می شود.

سنندج: یکی از نان های معروف که در ماه رمضان در سنندج پخته می شود نان برساق است، این نان در گذشته دارای اهمیت بیشتری بوده و پخت آن در کردستان رایج بوده اما امروزه به روستاها محدود شده است، هلیم یکی از غذاهای معروف بر سر سفره افطاری اهالی کردستان است اما می توان به کولیره نیز اشاره کرد که در روز های خاصی از ماه رمضان پخته می شود، در کردستان در روز عید فطر نیز نان خاصی به نام نان جشن پخته می شود و در میان روزه داران پخش می شود.

ایلام: یکی دیگر از شهر های کشور به شهر حریصه (هلیم) مشهور است و می توان هلیم را در ماه رمضان در تمام مغازه های ایلام مشاهده کرد، بزرگ برساق از مهم ترین شیرینی های سنتی ایلام است که در ماه رمضان پخت می شود و مورد استفاده مردم در افطار و سحر است.

همدان: خوارکی هایی که در همدان در ماه رمضان استفاده می شود نان کماج معروف و حلوا زرد رنگین مخصوص این شهر است، همچنین خوردنی های دیگری مانند انگشت پیچ و نان روغنی در این ماه پخت می شود.

Zahedan: زاهدان دارای غذاهای محلی بسیاری است که مطابق با آداب و رسوم و اقلیم منطقه هستند اما از مهم ترین غذاهایی که در ماه رمضان در این استان پخته می شود بت ماش را می توان نام برد که از برنج و روغن و ماش تشکیل شده است و معمولاً با ترشی سرو می شود.

شیراز: در شیراز نیز که یکی از شهر های سنتی ایران محسوب می شود غذاهای متنوع بسیاری بر سر سفره های افطار دیده می شود، کام پلو شیرازی و آش سبزی شیراز از متداول ترین افطاری های شیرازی است، ترحلوای شیراز نیز یکی از دسر های پرطرفدار این منطقه است.

ـ ابد

ـ خلیج فارس

Persian Gulf

محمد جادروح الی
نصرن عرب زاده

دایمدا مید کنی از اینست خلیج فارس گفت؛ خلیج فارس پس از خلیج مکنیک و هدرون سوین خلیج بزرگ دنیا بوده و سرشار از منابع نفت و گاز است. یک چارم از انتخراج روزانه نفت در خلیج فارس اتفاق می افتد. همین موضوع این خلیج را به کمی از محتم ترین نقاط استراتژیک در خلیج بین المللی تبدیل کرده است.

دوم اردیبهشت روز ملی خلیج فارس نامیده شده. در چنین روزی، در سال ۱۳۶۲ (میلادی)، شاه عباس صفوی پر فخاری نارابه گمک امکنیس از خلیج فارس به سیروان راند. البته این ناکنفر از تنهای این علت نبوده است و بیشتر هست مقابل با اقدام تعدادی از کشورهای عربی جنوب خلیج فارس برای تغییر نام این خلیج به خلیج عربی صورت گرفته است.

تماش برای تغییر نام خلیج فارس به چندین سال قبل بر می کرد و اولین بار لفظ خلیج عربی در سال ۱۳۲۹ توسط عازمه سیاسی امکنیس در بحرین نام رو دیگر اوون استفاده شد.

دکتاب "حباب های طلایی در خلیج عربی" که در سال ۱۹۵۸ نوشته شده از او ایجاد شد می شود ((من در تمام کتب و نقشه های جغرافیایی نامی غیر از خلیج فارس نمیده بودم ولی در چند سال اقامت در سواحل خلیج فارس (بحرين) متوجه شدم که ساکنان سائل، عرب بستاند نهاران ادب حکم می کنند که این خلیج را عربی بنامیم از همان سالها بود که امکنیس هاشیخ عرب ساکن جنوب خلیج فارس را براین امر تحریک کردند که از لفظ خلیج عربی به جای خلیج فارس استفاده کنند هم اکنون نیز استدلال اصلی کشورهای عربی خواهان این تغییر نام این است که اکثر ساکنان سواحل این خلیج عرب بستاند پس نام آن باید خلیج عربی باشدند خلیج فارس شورای عالی اقلاب فرهنگی نیز هست مقابل با این اقدام همایگان جنوبی و خطوط حراست از این نام در سال ۱۳۸۰ دهم اردیبهشت را روز خلیج فارس نامید. تاکو شود هر انکس که توان

دید...
 همه هر عاشقت شده اند، شاه بانوی ما و پیشانی
 اخرين بازمانده تاریخ! جغرافیاهای ایران
 در گرت خون ارمیایی هاست. دلخیزیت اتش زرتش
 دانست را کره زده اند امکان بازی از تبار اشکانی
 مرزها را وحد آوردی! ای زیبای روسی آلبی
 نقشه های اشانده کیویت رو به جغرافیای حیرانی
 رام چشم های نیلی ات شده اند، موج های همیشه طوفانی
 از صدف های سائل بحرین تاب و تاب تکنی هرمز
 باهه کرم قصه پر ازی. لنج هادپی غزل خوانی
 فارس هستی و فارس می مانی....
 قرص باش و ترس از طغیان

خیام؛ نابغه نیشابوری



ابر آمد و باز بر سر سبزه گریست / بی باده ارغوان نمی باید زیست
این سبزه که امروز تماشگه ماست / تا سبزه خاک ما تماشگه کیست؟
غیاث الدین ابوالفتح عُمر بن ابراهیم خیام نیشابوری به عنوان فیلسوف، ریاضی دان، ستاره شناس و رباعی سرای ایرانی در دوره سلجوقی زندگی می کرد.

عمر خیام در سده پنجم هجری قمری در نیشابور متولد شد و در سن میانسالی فقه را نزد امام موفق نیشابوری آموخت دید و فلسفه، حدیث، تفسیر، حکمت و ستاره شناسی را به خوبی یاد گرفت. همچنین خیام، گاه شمار جلالی یا همان تقویم جلالی را که به نام، جلال الدین، ملک شاه معروف است را تنظیم نمود. عمر خیام مدتی به دعوت ملک شاه و به عنوان ستاره شناس، در رصدخانه اصفهان نیز مشغول خدمت بوده است. ولی پس از مرگ ملک شاه و کشته شدن نظام الملک وزیر دربار، خیام مورد بی مهری های زیادی قرار گرفت، به گونه ای که کمک مالی به رصدخانه قطع شد. پس از سال ۴۷۹ هجری قمری، خیام تصمیم گرفت اصفهان را ترک کند و به مرو که به عنوان پایتخت جدید سلجوقیان انتخاب شده بود برود. عمر خیام تمام زندگی خود را به عنوان فیلسوف و ریاضیدانی مشهور پشت سر گذاشت، در صورتی که حتی شاعران هم دوره اش مانند ابوالحسن بیهقی و نظامی عروضی از اشعار و رباعیاتی که اکنون باعث شهرت و افتخار او شده است، اطلاعی نداشتند. تعداد رباعیات خیام ۵۷ تا می باشد که به کمک آن ها می توان تا حد زیادی به زبان شاعری و روش فلسفی او پی برد. زبان خیام نیشابوری در شعر بسیار ساده، طبیعی و بی آلایش است.

رباعیات خیام به چند دسته‌ی کلی تقسیم می شود که شامل راز آفرینش، از ازل نوشته، درد زندگی، گرددش دوران، دم را دریابیم، ذرات گردند و هرچه بادا باد می باشد.

مورخان زمان مرگ خیام نیشابوری را در حدود سال های ۵۱۷ تا ۵۲۰ هجری قمری در زادگاه خود نیشابور می دانند. گروهی از تذکره نویسان هم تاریخ فوت او را سال ۵۱۶ هجری قمری نوشته اند. اما سرانجام پس از انجام تحقیق و بررسی های لازم، تاریخ دقیق مرگ خیام نیشابوری را سال ۵۱۷ هجری قمری اعلام کرده اند. آرامگاه ایشان در حال حاضر در شهر نیشابور قرار دارد و در باغی به نام خود خیام و در جوار آرامگاه امامزاده محروم (ع) واقع شده است. به گفته‌ی معمار این بنا، مهندس سیحون، باید هر سه شخصیت حکیم عمر خیام را در معماری آن پیاده می شد. خیام ریاضی دان، منجم و شاعر بود و بدین ترتیب معمار این بنا برای طراحی آن از هر سه شخصیت او الهام گرفته است. ظاهر این بنا تجسم یافته‌ی کلاه دراویش و نیز شبیه قطعه الماس تراش خورده است. ارتفاع مقبره ۲۲ متر بوده و شکل بنا در پاییین، تقسیم بندی ۱۰ گانه دارد و فاصله پایه ها ۵ متر است. اضلاع بنا مستقیماً به سمت بالا ادامه یافته و به صورت اشکال هندسی منظم تورفتگی پیدا می کنند که قسمت عمده آن مشبك و تو خالی و یادآور ستاره ای است که نماد شخصیت علمی و ستاره شناسی خیام تلقی می شود. همچنین از آنجا که در ((مجمع النوادر)) نظامی عروضی سمرقندی، نقل است که خیام گفته: ((گور من در موضعی باشد که هر بهاری باد شمال بر من گل افسانی کند)), آقای سیحون از این موضوع استفاده میکند و قبر را پایینتر از تراز باغ میگذارند. چون در آن سایت درختان زردآلوبوده بنابراین؛ بهار جوری می شود که شکوفه های زردآلوری قبر خیام میریزد و آن چیزی که خواسته شخص خود خیام هم بود محقق می گردد.

می دانیم که کشور ما به لحاظ جمعیتی جوان ترین کشور دنیا است و نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت ایران را جوانان تشکیل می دهد. جوانان سرمایه های طلایی کشور، آینده سازان و پیشگامان توسعه این مرز و بوم هستند که اگر به حال خود رها شوند این سرمایه های عظیم را از دست می دهیم، از این رو واقعیت ایجاب می کند که به مطالبات و نیازهای جوانان در حوزه های مختلف توجه ویژه شود و صرفابه دادن وعده وعید منتهی نگردد! متأسفانه مسائل بیکاری، ازدواج و تفريحات سالم که عمده ترین مشکلات جوانان ایرانی را شکل داده تاکنون با بی توجهی دولت روبرو بوده است. بنابراین: ایجاد فضای مناسب برای فراهم آوردن فرصت ها و تحقق نیازها و خواسته های جوانان، نیازمند مدیریت و برنامه ریزی از سوی تشکیلاتی توانمند است.

از طرفی توجه به امور جوانان به دلیل فرآبخشی بودن آن وظیفه ای ملی است و جوان محوری در اندیشه، پنداش، کردار و رفتار همه دستگاه های مسئول در کشور می تواند تضمین کننده تحقق رشد و اعتلای نسل جوان و بستری مناسب برای استفاده بهینه از استعداد و توانایی های آن ها باشد. بنابراین، امید است که وعده های خوش آب و رنگ مسولان بالاخره متمرثم واقع گردد و اوضاع جوانان این مرز و بوم نیز بهبود یابد!

در فرهنگ دهدخدا به معنی برناست و جوان را در ابجد معادل ۶۰ میشمارند. طبق مصوبات شورای عالی جوانان کشور بین ۱۸ تا ۳۵ سال سن دارد. برای وصف دغدغه هایش قلم بسیار لازم است و دفاتر کثیری سیاه خواهد شد، که به مختصه از آن می پردازم. در ۱۸ سالگی: نو جوانی است کنکوری، دنیايش درس است و رشته و دانشگاه. آینده را در سردر دانشگاه و نام و رشته تحصیلی جستجو می کند. پر است از استقلال طلبی بدون آنکه بداند از چه سخن می گوید. ۲۰ ساله شد: وارد دانشگاه که شده تازه فهمیده از آن خبرها نیست که به آن می اندیشید. تازه گواهینامه گرفته پشت رل می نشیند و فکر می کند که چه کرده است! نالان است از سوال کجا؟ کی؟ با کی؟ فارغ از آن که تازمانی که پول بنزین را هم از والدین می گیری باید هم پاسخگو باشی و اسمش دخالت نیست!

به ۲۴ که میرسد تازه شستش خبردار میشود که کار ندارد! کو کار؟! و این میشود که لباس فارغ التحصیلی در نیاورده وارد مقطع بالاتر می شود. ۷-۲۶ ساله که شد زمزمه های تشکیل خانواده بالا گرفته ولی او که هنوز نه پیشه ای از برای خود دارد و نه کاشانه ای، چگونه زندگی اداره کند؟! مگر نه اینکه انسان تا خودش را جمع نکند، زندگی دیگری را نمیتواند بسازد؟! این روایتی بود از حال و هوای جوان ایرانی در عصر کنونی.

جوان و دغدغه هایش

عادله رضایی

با نام و یاد خدا

همان طور که شماره پیش قول دادیم این شماره قراره آشنایی با تیپ و شخصیت شناسی دانشجوهای خانم رو داشته باشیم؛ در مطالعات میدانی تیم تحقیقاتی ما به سه مدل از رایج ترین تیپ های این عزیزان دست یافتیم: گروه اول: این افراد از مانتوی تنگ و غالباً جلوباز در پوشش خود استفاده می کنند؛ استفاده حداکثری از کرم و انواع وسایل ارایشی، ارایش موها عموماً مورب از زیر مقنעה به سمت متنهی الیه سمت چپ به همراه جوراب های تابه تا و رنگی پنگی..... این افراد اعتقادی به جوراب نداشته و استایل خود را با یک شلوار ۹۰ و یک خلخال کامل می کنند. در بررسی های مجازی ذکر: «و من شر حاسد اذا حسد» در این افراد جز قوانین استایل آن هاست. گروه دوم: استفاده از مانتوی معمول و دیزاین صورت و مقنעה دارای حداکثر شباهت با کارت ملی فرد، کفش پاشنه دار با جوراب رنگ پا رایج است.

در بیوی اینستاگرام تلگرام خود حداکثر استفاده را از انواع نهان دانگان و بازدانگان دارند.

گروه سوم: این گروه اغلب چادری هستند اما همراه با مقنעה های گل گلی و سنت ساق دست جهت خودنمایی حلال، استفاده بسیار زیاد از انواع پیکسل های مذهبی بر جای جای البسه، ناخن های بلند و استفاده از برق ناخن یا لاک های بارنگ لایت، استفاده از عکس خیره شده به افق در پروفایل خود همراه با عباراتی مثل باز هم من بی سرو پا جا ماندم.

فائزه عزیزآبادی



شب یاداں روح

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ
شَهْرٍ

پس از سالی پر فراز و نشیب، در گردش زمین و زمان، دوباره به نقطه‌ای از آغاز رسیدیم، به نقطه‌ای که سرنوشت یک سال را رقم خواهد زد... آری شب میهمانی رازهاست همان آستانه‌ی بخشش بی کران الهی... شاید بهتر است بگوییم شب یلدای روح...

یلایی که وسعتش به معنای هزار ماه است و ثانیه به ثانیه اش فرستیست برای بازگشت به مسیر سبز... آری شب قدر است و آرامش چشمان بیدار دو نیمه شب‌های خواب‌زده شب قدر و نجوای خاموش دل‌ها ... شب قدر و یادآوری قدر ندانسته‌ی فطرت پاک آدمی... امشب همان شبیست که سقف ملکوت گشوده می‌شود تا تمام فرشتگان آسمان به وعده دیدار برسند و چه بزمی است در زمین و چه شوری است در آسمان...^{۲۰}

در این هیاهو با کوله بارهایی از گناه و طلب بخشش به پیشگاه الهی روان
من شویم تا به حرمت این «العفو» خالصانه و این «الغوث» خسته و بریده
باری دیگر مهربان تر مارا بنگرد و دستمان را بگیرد تا پل های شکسته‌ی
یشت سر را محکم تر بنا کنیم.

خداؤندا در این برهه از زمان آمده ایم تاروی گناهانمان، خط پشیمانو بکشیم، تا بگوییم عذرخواه تمام گستاخی ها و گذشته های غفلت زده هستیم دستمان را بگیر و نزدیک مابمان؛ نگذار که در بیراهه ها، دستهایمان ار دست هدایت تو رها شود و در حصار عصیان و نسیان خویش تنها بمانیم.

پروردگارا، می گویند تا آسمان راهی نیست ولی تا آسمانی شدن راه بسیاری است! اما من اطمینان دارم شب قدر همان شب پیمودن راه های صد سال است که روزها و ماه ها در انتظار آنیم تا بر سر و روشنی بخش روزهای خاموش و تاریکمان باشد. اما پس از روزها انتظار در این شب بسیارها، هر کس به دنبال چیزی می گردد؛ به این سو و آن سو روانه می شود تا شاید گم گشته خویش را بیابد و آرامش را در آغوش بگیرد اما در چنین شب رویایی به خاطر بسیار که این دقایق بسی بدیل و خوش رایحه دیگر هیچگاه تکرار نخواهد شد پس این بار نوبت توست تادر میاز مناجات جوشن کبیر و رکعت های صد گانه سجود بر آستان بی هنر معبودت، قرآن را به سر گرفته و بزرگی و عظمت خداوند را به یادآوری و ب دستهای باز و قلبی خالص سخاوت خدایت را لمس کنی



امروز جهان با چالشی جدید به نام ویروس کرونا مواجه شده که ظاهرا از چین شروع شده و مرز تمام کشورها را طی نموده و تا ایالات متحده و سراسر دنیا رسیده است. ویروسی که بلای جان و مال و کسب و کار تمام مردم جهان شده است.

حال سوال اساسی اینجاست که این بلای جان سوز و اقتصاد سوز، آیا به خودی خود مانند هزاران بیماری دیگر به وجود آمده است یا نه حاصل تلاش محققین و آزمایشگاه‌های جنگ میکروبی جهان است؟ آیا این ویروس را دست های پشت پرده در جنگ بین ملت‌ها و رقبات‌های بین‌المللی در بازی‌های اقتصادی و سیاسی در شرایط آزمایشگاهی ساخته‌اند و در کشوری خاص مانند چین منتشر نموده‌اند؟ یا نه جهش‌های ژنتیکی طبیعی ویروس، عامل به وجود آمدن این نسخه خاص شده است که با تمام این فرض‌ها چهار حالت را می‌توان متصور شد:

حالت اول: کرونا یک ویروس جهش‌یافته است.

اولین فرضیه درباره کرونا، جهش یافته بودن این ویروس است. این اتفاق یکبار در سال ۲۰۰۸ رخ داد و ویروس آنفلوآنزا خوکی که در سال‌های ۱۹۱۸-۱۹۱۹ حدود ۵۰۰ میلیون نفر را مبتلا و ۵۰ میلیون را به کام مرگ کشید، دچار تغییر شد و در مکزیک و آمریکا قربانی گرفت. این بیماری هرسال در جهان چندین هزار نفر را به کام مرگ می‌کشاند. هر چند بسیاری از دولتها بر این عقیده بودند که لبرانوارهای داروسازی برای فروش بیشتر دارو اقدام به ورود عمده ویروس ناقل بیماری آنفلوآنزا خوکی در جامعه کرده‌اند تا درآمد کسب کنند، اما این ادعا هیچ‌گاه ثابت نشد. درباره ویروس کرونا نیز این احتمال وجود دارد.

حالت دوم: این ویروس به صورت تصادفی در آزمایشگاه‌های چین ایجاد شده است.

برخی بر این باورند که این ویروس در اثر تحقیقات آزمایشگاهی به صورت تصادفی تولید شده که به علت قدرت سرایت فوق العاده آن از آزمایشگاه‌های کشور چین و شهر ووهان توانسته بیرون بیاید و در سطح شهر منتشر شود یعنی جایی که نخستین مبتلایان به کرونا در آن شناسایی شده‌اند. بر همین مبنای وزنامه نیویورک پست آمریکا در مطلبی مدعی شده که منشأ ویروس کرونای جدید یکی از بزرگ ترین و تنها آزمایشگاه ویروس‌شناسی چین در شهر ووهان بوده که این ویروس به دلیل ویژگی‌هایش از آزمایشگاه ووهان گسترش پیدا کرده است.

حالت سوم: این ویروس به صورت برنامه‌ریزی شده در چین تولید و منتشر شده است.

در یک نگاه بدینانه می‌توان تصور کرد که حزب کمونیست چین عامل انتشار این ویروس است. آنها مدعی هستند با این ویروس، عملاً حزب حاکم، بار دیگر توانسته به افکار عمومی ثابت کند که در بحران‌ها، فقط این دولت مقتدر

چین می‌تواند به کمک مردمش برسد. هم‌چنین کشاندن این ویروس به سایر کشورها به خصوص کشورهای رقیب بین المللی چین، باعث ایجاد تنש‌های اقتصادی در آن کشورها شده و قدرت چین را در مهار این بیماری و کمک به جامعه کشورهایی از طبقه متخصصان چینی و ضعف تمام کشورهای آنها در مقابله با این بیماری را به نمایش گذاشته است.



کرونا فاجعه طبیعی یا توطئه سیاسی؟

حالت چهارم: شیوع کرونا یک بازی سیاسی - اقتصادی برای مهار قدرت چین است.

این ویروس به عنوان اعلام جنگ بیولوژیک در دنیا معروف به جنگ جهانی سوم می‌باشد. اصلی‌ترین فرض درباره این ویروس، به ساختگی بودن آن بازمی‌گردد. از آغاز شیوع این ویروس در رسانه‌ها گفته شده که این ویروس تولید آزمایشگاه‌های «بیوتورپیسم» است که به دنبال تهدید حیات و هلاکت جمعیت انسانی است. این سلاح در زمانی که یک قدرت با استفاده از ابزار جنگی قادر به کنترل کشور هدف نباشد، به کار می‌رود تا به کمک آن، به اهداف اصلی خود دست یابد. هزینه‌های ارزان، دسترسی و تهیه آسان، اثرگذاری فوری، گسترش سریع و تاثیر بسیار زیاد آن در گسترش احساس نامنی، این سلاح را به محبوب‌ترین سلاح کشورها در نبرد علیه دیگران تبدیل کرده است که آمریکا یکی از کشورهایی است که در این زمینه فعالیت‌های سری نظامی بسیاری داشته است. اصلی‌ترین آزمایشگاه‌های بیولوژیک نظامی آمریکا که توان تولید ویروس را دارد، «آزمایشگاه‌های درجه ۴» هستند. این آزمایشگاه‌ها که دولت آمریکا آنها را در جایگاه خطرناک ترین آزمایشگاه‌های این کشور قرار داده وظیفه تولید سلاح‌های غیرنظامی ولی کشنه را بر عهده دارند که اهمیت استفاده از ابزار بیولوژیک برای آمریکایی‌ها به حدی است که تعداد این آزمایشگاه‌ها، از پنج عدد در سال ۲۰۰۱ به ۱۵ عدد در سال ۲۰۰۹ رسید که در مجموع تا سال ۲۰۱۹ آمریکا بیش از ۲۰۰ آزمایشگاه بیولوژیکی در سراسر جهان دارد که ساخت ویروس کرونا اقدام خیلی پیچیده‌ای نیست.

براین اساس بسیاری براین باورند که جهش ویروس کرونا در شهر ووهان که در مرکز چین واقع شده، یک مرکز بزرگ جستیکی به شمار می‌رود که از قضا انسنتیو ویروس‌شناسی و بزرگ‌ترین بازار فروش حیوانات وحشی هم در این شهر وجود دارد که با وجود کنسولگری آمریکا در ووهان کارمندان این کنسولگری، عملیات‌ها و آزمایشات مخفی انجام می‌دهند.

یک دیگر از عواملی که نشان می‌دهد که این ویروس خطرناک به طور خاص ایجاد شده است، زمان ظهور آن است چون شیوع این بیماری در سال نوی چینی که صدها میلیون چینی در سراسر این کشور و دیگر کشورها، در حال گذراندن تعطیلات و تماس نزدیک با سایر ملل جهان بودند، اتفاق افتاد. هر کدام از سناریوها و فرضیه‌های مطرح شده نتیجه گیری‌های خاص خود را دارد. اما در مجموع با توجه به شواهد، دست کاری شدن و غیر طبیعی بودن این جهش ژنتیکی، عادی و طبیعی به نظر نمی‌رسد و دلالت عامل انسانی در آزمایشگاه‌ها چه به صورت تصادفی یا برنامه‌ریزی شده بیشتر می‌باشد. از طرفی نیز بعید به نظر نمی‌رسد که دولتها یا جریانات بین‌المللی بخواهند، قدرت اقتصادی چین که تمام دنیا را تصاحب نموده است کم کرده یا به نحوی به او هشدار بدھند. اینکه یک بیماری از تنها ایک شهر خاص با سرعت زیاد و فراغیر که موج قرنطینه شدن تمام شهر و ساخت بیمارستان و سیستم‌های بهداشتی و تدبیر‌امنیتی بسیار شد، باعث تقویت این فرضیه می‌شود. اما نهایتاً آنچه در این بازی بین‌المللی دامن‌گیر جان و مال مردم جهان می‌شود، چیزی جز توقف توسعه و متحمل شدن هزینه‌های بسیار کلان به مردم و دولت‌ها نیست.

بزرگداشت روز سپاه

بسم رب الشهدا و الصديقين
دوم اردیبهشت ۵۸، سالروز تشکیل سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی ایران بنا به دستور تاریخی، بزرگ مرد انقلاب
اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) است.

سپاه در قالب اوامر و تدبیر رهبری عظیم الشأن انقلاب
اسلامی جان گرفت تا بتواند حقیقت وجودی خود را در
حفظ از دستاوردها، آرمانها و اهداف مقدس انقلاب معنا
و تفسیر کند و به منصه ظهور برساند؛ دستاوردهایی که
محصول خون هزاران شهید پیر و جوان بود که در مسافت
با شیاطین تاریخ در رگهای زمین جاری شد و امروز از دل
آزاد مردان جهان جوشیدن گرفته است و در تحقق آرزوی
قلبی موسس انقلاب، حضرت امام(ره) که همانا صدور
معنوی انقلاب اسلامی ایران به سراسر عالم بود، نقش ایفا
می کند.

بدون شک سپاه پاسداران در کنار دیگر نیروهای مسلح،
دست دشمنان و متعرضان به خاک مقدس ایران اسلامی
را قلع و قمع خواهد کرد.

غیر از اینکه سپاه در تمامی عرصه‌های دفاع از نظام و
ولایت و همچنین تمامیت ارضی کشور و امنیت، قدمهای
استوار و مهمی را برداشته است، تبلور ایمان و انسان
دوستی سبزپوشان سپاهی را نیز می‌توان در مساعدت به
هموطنان در جهاد سلامت و عظمت خدمت به مردم ایران
انقلابی مشاهده نمود که جان بر کف، یارگیر و دستگیر
هموطنانمان هستند و چراغ دل مردم را هرچند کم، روشن
نگه میدارند.

بنده نیز به نوبه خودم تاسیس این نهاد مقتدر و میهن
دوست را به تمام برادران عزیز و خواهران بزرگوار خود در
دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه تبریک و تهنیت عرض
می کنم.



مجتبی رمضان نژاد
فرمانده پایگاه بسیج دانشجویی پایگاه



۱۳۵۷

عاشق ترین حیاد

خداؤندا! این تو هستی که قلبم را مالامال از عشق به راهت، اسلامت، نظامت و ولایت قرار دادی. خدایا! تو خود می‌دانی که همواره آماده بوده‌ام آنچه را که تو خود به من دادی، در راه عشقی که به راهت دارم، نثار کنم. اگر این نبود، آن هم خواست تو بود. متنی که با هم خواندیم فرازی از وصیت نامه شهید سرفراز علی صیاد شیرازی بود دلاور مردی که در دفاع از خاک کشورمان در برابر ارتش بعثی و همچنین منافقین، نقشی حیاتی داشت. حال فرازی از زندگی نامه این شهید والا مقام را مرور می‌کنیم : علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در شهرستان درگز از توابع استان خراسان رضوی متولد شد و در سال ۱۳۴۳ در آزمون ورودی دانشکده افسری پذیرفته شد و به تحصیل علوم نظامی پرداخت، دوره رنجرو چنربازی را با رتبه عالی گذراند و در گردان ۳۱۷ توپخانه به عنوان «فرمانده آتشبار» مشغول به خدمت شد پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، چندین سال در بخش‌های مختلف ارتش به ویژه در غرب کشور به پاسداری از کشور پرداخت پس از پیروزی انقلاب ایران، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و در نبردهای کردستان به همراه مصطفی چمران نقش مهمی ایفا نمود. ایشان با مشارکت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در عملیات‌های طریق القدس، فتحالمبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع‌الفجر، محرم، والفجر، عملیات خیبر و بدر و قادر شرکت نمود و پیروزی‌های بزرگی را برای ایران به ارمغان آورد و در سازماندهی و فعالیت نیروهای انقلابی در ارتش تلاشی گستردۀ داشت. همچنین با وجود تازه تأسیس بودن سپاه نقش مهمی در ایجاد هماهنگی بین ارتش و سپاه داشت. از مهم‌ترین اقدامات او پس از پیروزی انقلاب اسلامی، می‌توان به تهییه طرح‌های عملیاتی که منجر به شکستن حصر شهرهای سنندج و پادگان‌های مریوان، بانه و سقز شد، اشاره کرد. یکی از مهم‌ترین عملیات‌هایی که با درایت بالای شهید شیرازی به پیروزی رسید عملیات مرصاد بود که به هلاکت گردان زرهی مجاهدین خلق منجر شد در این عملیات گستردۀ حدود ۵۰۰ نفر از نیروهای منافقین به هلاکت رسیدند که شکست بسیار سنگینی برای مجاهدین خلق به حساب آمد و باعث شد که در صدد ترور شهید صیاد شیرازی برآیند. سرانجام ایشان پس از ۳۲ سال خدمت خالصانه در یگان‌های مختلف نیروی زمینی ارتش، در تهران و مقابله در منزلشان، به دست اعضای سازمان مجاهدین خلق ترور شده و به علت شدت جراحات به فیض رفیع شهادت نائل آمدند. بخشی از پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت شهادت امیر سپهبد صیاد شیرازی: این نه اولین و نه آخرین باری است که دلی نورانی و سرشار از عشق و ایمان و وفاداری به آرمان‌های بلند الهی، هدف تیر خشم و عناد و عصیت از سوی زمرة جنایتکار و فاسدی که ادامه حیات خود را در خدمتگزاری به دشمنان اسلام دانسته است، قرار می‌گیرد و دست خائن خودفروخته‌ای، نهال ثمربخش انسان والایی را قطع می‌کند. او نیز مانند دیگر مردان حق، از روزی که قدم در راه انقلاب نهادند، همواره سر و جان خود را برای نثار در راه خدا روی دست داشتند.

شادی روحشان صلووات...

امیر بصیری



رهبر معظم انقلاب اسلامی در خجسته عید نیمه شعبان و میلاد حضرت بقیة‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه در سخنان زنده و تلویزیونی خطاب به ملت شریف ایران در مورد ^۴ مطلب محوری بیاناتی را فرمودند:

۱. انتظار فرج

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه امت محمدی(ص) در هیچ حادثه‌ای نباید دچار یأس و نامیدی شود، افزودند: انتظار فرج به معنای نشستن، بی‌عملی و چشم به در دوختن نیست بلکه به معنای آماده شدن و اقدام کردن برای دستیابی به آینده‌ی روشن و وعده‌ی داده شده است.

ایشان افزودند: به همین علت برای ایجاد جامعه‌ی مهدوی هم باید خودسازی کرد و هم به قدر توان دگرسازی، و محیط پیرامونی را به جامعه‌ی مهدوی که جامعه‌ی قسط، عدالت، معنویت، معرفت و برادری و عزت است، نزدیک کرد.

رهبر انقلاب اسلامی عدالت و عده‌داده شده در زمان ظهور صاحب‌الزمان را عدالت در همه‌ی شئون زندگی بشر از جمله عدالت در قدرت، ثروت، سلامت، کرامت انسانی و منزلت اجتماعی خوانند و افزودند: به لطف و قدرت الهی این وعده با دست قدرت امام عصر حتماً محقق خواهد شد

۲. کرونا

رهبر انقلاب اسلامی در بخش دوم سخنانشان به موضوع بیماری کرونا اشاره کردند.

رهبر انقلاب اسلامی، حضور داوطلبانه‌ی طلاب و دانشجویان جهادی و هزاران بسیجی پر تلاش و آحاد مردم در

میدان ارائه‌ی خدمات به کادر درمانی و بیماران و حتی نیازمندان را بسیار با ارزش و خرسند کننده برشمردند

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اوج این افتخار ملی را متعلق به کادر درمانی کشور دانستند و افزودند: کادر درمانی

کشور با تحمل رنج دوری از خانواده حتی در تعطیلات نوروز و تحمل فشارهای ناشی از مراقبت از بیماران

بدحال، جان و سلامت خود را در خدمت به مردم قرار دادند و این موضوع بسیار با عظمت، خاطره‌ی خوشی

را در ذهن ملت ایران بر جای خواهد گذاشت.

۳. رزمایش همدلی برای کمک به نیازمندان

رهبر انقلاب اسلامی به مشکلات و سخت شدن شرایط زندگی برای برخی افراد جامعه به علت تبعات

ناشی از کرونا اشاره کردند و افزودند: افرادی که توانایی و تمکن مالی دارند، فعالیتهای وسیعی را به منظور

کمک به نیازمندان آغاز کنند، به خصوص که در آستانه‌ی ماه مبارک رمضان که ماه اتفاق و ایثار است،

قرار داریم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تأکید کردند: خوب است که در ماه مبارک رمضان یک رزمایش گسترده

برای مساوات، همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا در جامعه شکل بگیرد و برای اثبات

ارادتمنان به امام زمان(عج) صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه‌ی مهدوی را که جامعه‌ی همراه

با قسط، عدل، عزت، علم، برادری و همیاری است، به وجود آوریم.

۴. جهش تولید

رهبر انقلاب اسلامی در پایان سخنانشان به مسئولان و فعالان جوان در عرصه‌ی علم و

فناوری نیز توصیه کردند موضوع جهش تولید حیاتی است و فراموش نشود زیرا باید

به هر قیمتی که شده موضوع تولید پیگیری شود و به مرحله‌ی جهش برسد.

همچنین جوانان فعال در عرصه‌ی علم و فناوری، کار آزمایشگاهی و تولید نیازهای کشور

را به صورت جدی پیگیری کنند.

تمهیه و گردآوری: زهرا فرزانه

سخنان مقام معظم رهبری

امامت در حصار ابها

علیرضا عباسی

بنابراین؛ می‌گوییم اگر دین علی بن ابی طالب است، منکر علی بن ابی طالب نیز منکر دین است بطوری که در زاد المعاد - مفتاح الجنان، ص ۲۹۹، میخوانیم «من أَرَادَ اللَّهُ بِّدْأَ بَكُّمْ ... وَمَنْ قَصَدَهُ» یعنی تنها راه شناخت و معرفت پیدا کردن به خدا امام معصوم است، و نیز از امامان معصوم بطور مفصل دویست روایت در این موضوع گفته شده است. آیا همه‌ی این‌ها می‌توانند جعلی باشند؟ شما ببینید برای مثال حضرت هادی (ع) در شرایطی بسیار بدتر از شرایط ما و در دوره‌ی خلافت عباسیان، در دوره‌ای که امام در حصر است و در شهری نظامی زندگی می‌کردد در حالیکه ارتباط شیعیان با ایشان قطع است و در دوره‌ای که غالیان مارا بیچاره کردند چون ارتباط با امام وجود ندارد و یک عدد هر چه می‌خواهدن به امام می‌بندند. در این دوره امام هادی (ع) به زیارت امیرالمؤمنین می‌روند و از ایشان زیارت غدیریه نقل می‌شود

که نشان می‌دهد امام تصمیم گرفته است چیزی به گوش مردم برسد که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نمیتوان آن را بی اهمیت جلوه داد.

ولایت، تبلور توحید و در واقع استمرار ربویت پروردگار است. همان‌طور که توحید تعطیل نمی‌شود، ولایت نیز تعطیل نمی‌شود.

ولایت امیر المؤمنین علیه السلام کنار بقیه‌ی کارها نیست، اعتبار بقیه اعمال به او است، و این را نیز باید گفت که میزان دسته بندی آدم‌ها روز قیامت به دست ایشان است. «*فَسَيِّمُ النَّارِ وَ الْجَنَّةِ*» [بحار الأنوار ج ۷، ص ۱۹۴] یعنی همین.

حال از سویی دیگر به موضوع بنگریم اگر کسی بگوید من نماز می‌خوانم، روزه هم می‌گیرم، حج هم می‌روم، ولی من شک دارم که این پیغمبر، پیغمبر است آیا تمام دینداری او زیر سوال نمی‌رود؟ آیا او را مسخره نمی‌کنید؟ پس چطور ولایت پذیرفته نمی‌شود در صورتی که در آیه مباھله حضرت علی علیه السلام نفس و جان پیامبر (ص) خوانده شده است؟ پس آیا میتوان در حقانیت حضرت استمرار مسیر حقیقت و نبوت است.



تا اینجا به این نتیجه رسیدیم و فهمیدیم که چون ائمه علیه السلام همان دین میباشند؛ کسی که از ایشان سرپیچی کند، از دین سرپیچی کرده است و دین ندارد. نکته‌ای که باید مذکور شد این است که با افرادی که چنین عقیده‌ای ندارند نباید شدید برخورد کرد. مثلاً نباید به او توهین کرد، بی‌ادبی یا ظلم کرد، ابداً این مسائل مورد انتظار نبوده و نیست و فی الحال صرفاً بحث اعتقادی مطرح است و این بحث با وحدت نیز هیچ مشکلی پیدا نمی‌کند زیرا وحدتی که بخواهد اصل دین را حذف کند وحدت نیست؛ فساد است. نکته‌ی دوم این است که شاید گفته شود این بحث‌ها در قرن بیست و یکم چه اهمیتی دارد؟ در جواب باید گفت که اگر واقعاً اهمیت دینداری را فهمیده اید این مسئله مهم است که دین داری از عقیده سرچشمه می‌گیرد پس باید عقیده خود را درست کنید البته اگر اهمیت میدهید...

چرا می‌گوییم امام اصل دین است؟ چرا می‌گوییم پیامبر اصل دین است؟ چون هر چیزی که شما جزء دین می‌دانید، اگر پیامبر گفته باشد جزء دین می‌شود و اعتبار پیدا می‌کند.

برای مثال فقط نمازی که پیغمبر می‌خوانند معتبر است. (صلوا كَمَا رَأَيْتُمْنَى أَصَلِي) و اینطور نیست که نمازی غیر شیوه نماز پیغمبر داشته باشیم. اما اعتبار نماز از کجا است؟ از کجا فهمیدید که این شیوه مورد رضایت خدا است؟ زیرا رسول خدا صلوات الله علیه و آله و سلم فرموده است. حال امام هم همان استمرار مسیر حقیقت و نبوت است.

روز قدس

روز اسلام است

